

در آراء بقیة النبیین



موضوع:

۲۰ / ۲ / ۱۳۲۸

اندیشه‌های کلامی طبرسی در مجمع البیان

استاد راهنما: حاج آقای محامد

استاد مشاور: آقای احمد عابدی

تنظیم:

احمد فاضل دانشجوی ارشد کلام و حکمت اسلامی

دوره دوم

تکثیر از واحد انتشارات

معاونت پژوهشی

«بخش اول»

1964/2

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده

در این پایان‌نامه سعی شده است؛ که اندیشه‌های کلامی طبرسی حتی‌المقدور در زمینه‌های اعتقادی بیان شود. ابتدا دیدگاه طبرسی در مورد اصول دین و چگونگی معرفت به آن، که آیا شناخت مبانی دینی امری صرفاً فطری می‌باشد؟ و یا جنبه استدلالی و تعقلی دارد؟ مورد بررسی قرار گرفته است. طبرسی در این زمینه قائل به استدلال و تحقیق است و تقلیدی و ظنی بودن اصول دین را باطل و مردود می‌داند و معتقد است که باید عقل استدلالی را در شناخت اعتقادات بکار بُرد. بعد از این بیان در مورد مبانی اعتقادی بحث شده است و نظرات پاره‌ای از متکلمین اسلامی ابراز گردیده و دیدگاه خاص طبرسی از مجمع‌البیان را ارائه نموده‌ایم. طبرسی بر این باور است که باید توحید را ثابت نمود و برهان برای آن آورد، اما استدلالاتی که جهت اثبات توحید ذکر می‌کند از طریق برهان نظم و طبیعت‌شناسی است. صاحب‌مجمع در بحث صفات خدا گاهی نظراتش کلامی است در بعضی موارد دیدگاهش شبیه دیدگاه فلاسفه است. در مورد حُسن و قُبْح قائل به عقلی بودن آن دو است و معتقد است که اگر عقل را منعزل داریم به اشکالات بر می‌خوریم. او عقل را حجت می‌داند. در مسئله جبر و اختیار کلاماً ملا نظرات جبری مسلکان را باطل می‌نماید و ردّ می‌کند. در بحث نبوت و اختصاصات انبیاء بعضی نظریات خاصی دارد که با اندیشه‌های کلامی بعضی از متکلمان شیعه منافات دارد.

او برای پیامبر در مواردی از زندگی غیر از چیزهایی که مربوط به وحی و دین می‌گردد؛ سهو و فراموش را جایز می‌داند. در زمینه علم غیب برای ائمه طبرسی قائل است که علم غیب ذاتاً از آن خداوند سبحان است؛ و او آن گستردگی که بعضی از متکلمین در علم غیب برای ائمه قائلند، علی‌الظاهر نباید این نظر را داشته باشد. در بحث معاد، امین‌الاسلام طبرسی از متکلمین است که به جسمانی و روحانی بودن معاد معتقد است و بهشت و جهنم را اکنون موجود می‌داند. او حشر و نشر را در عالم قیامت مختصر به انسان نمی‌داند، بلکه برای وحوش هم حشر و نشر قائل است.

یکی دیگر از مباحثی که در ذیل بحث معاد آورده شده، بحث توبه است که مناقشات کلامی در آن وجود دارد. صاحب مجمع بر این نظر است که شاید خداوند گناهان انسانی که بی توبه از دنیا می‌رود بیامرزد، اما آمرزش گناه شرک را منوط به توبه می‌داند. بحث دیگری که متکلمین اختلاف نظر دارند مسئله احباط است؛ که طبرسی در این مطلب دیدگاهش ابطال احباط و تحابط است.

واژه‌های کلیدی: علم کلام - صفات خدا - عدل الهی - اعجاز قرآن - عصمت - روح.

فهرست منابع

۸	مقدمه
۱۱	هدف از انتخاب موضوع

فصل اول

تعریف علم کلام ۱۳-۲۳

۱۵	نامهای علم کلام
۱۶	وجه تسمیه و ظهور علم کلام
۲۱	در احوال شیخ طبرسی
۲۱	شاگردان طبرسی
۲۲	مجمع البیان

فصل دوم

لزوم معرفت اصول دین ۲۴-۵۴

۲۵	در اصول دین نباید تقلید کرد
۳۰	ماحصل
۳۱	توحید
۳۴	وحدانیت حق تعالی
۳۹	ماحصل
۴۰	صفات خدا
۴۴	ماحصل
۴۴	علم
۴۷	صفت اراده

۵۰	قَدَم (ازلی)
۵۱	قدرت
۵۲	کلام خدا
۵۳	سمع و بصر

فصل سوم
عدل ۷۴-۵۵

۵۷	جبر و اختیار
۶۱	عقاب اطفال کفار
۶۱	تکلیف
۶۶	لطف
۷۰	غرض از آفرینش عالم چیست؟
۷۳	ماحصل

فصل چهارم
نبوت ۱۵۲-۷۵

۷۸	فرق بین رسول و نبی
۸۲	معجزه
۸۹	عصمت
۹۴	آیا انبیاء برتر هستند یا فرشتگان؟
۹۴	حضرت محمد (ص)
۹۷	عصمت پیامبر اسلام
۹۹	وحی
۱۰۰	قرآن
۱۰۰	اعجاز قرآن
۱۰۴	آیا قرآن حادث است یا قدیم؟
۱۰۵	کیفیت نزول قرآن
۱۰۶	محکومات و متشابهات قرآن
۱۰۷	معراج پیامبر
۱۰۹	امامت

۱۱۰	تعریف امامت
۱۱۲	عصمت امام
۱۱۳	علم امام
۱۱۵	امامت حضرت علی (ع)
۱۱۷	معاد
۱۱۷	انسان مرکب از روح و بدن
۱۱۷	ماهیت روح چیست؟
۱۱۹	اثبات معاد
۱۲۲	اثبات معاد جسمانی
۱۲۵	اعباده معدوم
۱۲۸	نظریه حال
۱۳۰	حشر و نشر در حیوان و وحوش
۱۳۱	ثواب و عقاب
۱۳۴	توبه
۱۳۸	شفاعت
۱۳۹	گناهان کبیره و صغیره
۱۴۰	احباط
۱۴۳	رجعت
۱۴۵	عذاب و نعمت در قبر
۱۴۸	بهشت و جهنم
۱۵۰	امر به معروف و نهی از منکر

ملحقات - ۱۵۳

۱۵۴	فرق بین اسلام و ایمان
۱۵۶	شیطان
۱۵۷	فرشتگان و برتری آدم از آنها
۱۵۹	دعا
۱۶۰	نسخ چیست؟
۱۶۱	منابع و مأخذ

مقدمه

انسان موجودی است الهی، و خلق شده خداوند تبارک و تعالی، مانند سایر موجودات یله و عبث در این جهان رها نشده است. هر موجودی براساس هدایت تکوینی که خداوند در نهاد او قرار داده است، بسوی کمال خویش در حال حرکت است. انسان هم مانند موجودات دیگر علاوه بر داشتن هدایت تکوینی از یک هدایت دیگری بنام هدایت تشریحی برخوردار است که با داشتن این هدایت می تواند به سعادت و کمال خود نائل شود، وگرنه راه ضلالت و گمراهی را می پیماید و به آن هدف خلقت خویش نمی رسد.

هدفی که خداوند در خلقت انسان به تعبیر قرآن قرار داده است، عبادت نمودن خدا است که:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱

انجام گرفتن این عبادت بدون حصول معرفت یقینی او مشکل و سخت است. پس اولین وظیفه آدمی شناخت پروردگار است. انسان فطرتاً و جبلتاً در پی این شناخت است به تعبیر قرآن:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمِ»^۲

انسان بعد از شناخت خدا درصدد معرفت حیات بعد از مرگ خود برمی آید، او می خواهد به چگونگی این زندگی پی برد. بعد از اندیشه در این وادی، می بیند که سعادت خود را در آن سزای، بدون نیاز به وحی و هدایت الهی نمی تواند تأمین کند،

۱. ذاریات، آیه ۵۵.

۲. روم، آیه ۲۹.

در اینجاست که محتاج به راهنمایی انبیاء می‌گردد.

این سه اصلی که انسان در جستجوی شناخت آن برآمد و به آن اعتقاد پیدا کرد به عنوان اصول دین می‌نامیم که همه ادیان الهی در این اصول مشترک هستند، گرچه در تفسیر آن متفاوت می‌باشند که در این مقدمه مجال به پرداختن آن نیست.

در طول تاریخ بشری، اندیشمندان و دانشورانی بودند که درصدد دفاع از این اصول اعتقادی برآمدند و ادله و براهینی برای اثبات آنها آورده‌اند، این اثبات و دفاع را می‌توانیم علم کلام به معنای اعم آن بنامیم. در هیچ برهه‌ای از زمان نبوده است که جامعه بشری بطور کلی خالی از پرداختن به مسائل کلامی باشد و جامعه انسانی در اندیشه شناخت مبدأ و معاد برنیامده باشد. یکی از قدیمی‌ترین مسائل کلامی را می‌توانیم مسئله مبدأ و معاد بدانیم که در طول حیات انسان، اندیشه و اذهان بشری را به خود مشغول نموده است که این تفکرورزی و مشغول‌نمایی جنبه درونی و فطری دارد.

این مقدمه برای آن بوده است که موضوع علم کلام یکی از مسائل و موضوعات مهمی است که باید از جهات مختلف و گوناگون به آن پرداخته شود.

لازم به تذکر است؛ گرچه پایان‌نامه «اندیشه‌های کلامی طبرسی در مجمع‌البیان» است، و کلام علمی است که گستره وسیعی دارد، شامل الهیات بالمعنی **الاعم** و **الاصغر** می‌گردد. اما در این پایان‌نامه فقط به آن اندیشه‌های کلامی که مربوط به اعتقادات (الهیات بالمعنی **الاصغر**) می‌باشد، پرداخته شده و از دایره موضوع به صورت محدودتری بحث نموده‌ایم. به لحاظ آنکه اولاً هنگامی که موضوع به استاد راهنما و مشاور و پس از آن به دانشگاه ارائه گردید از ذهن بنده فقط آن اندیشه‌های کلامی که در زمینه اعتقادات است مد نظر بوده نه همه اندیشه‌های کلامی. اصولاً هنگامی که نامی از کلام یا اندیشه‌های کلامی یک **تعلیم** برده می‌شود در ذهن انسان مسائل اعتقادی بطور می‌کند و اندیشه بشری متوجه موضوعات اصول اعتقادی می‌گردد و کمتر در ذهن مسائل امور عامه تبادر می‌شود و متکلمین بزرگ در موضوعات اعتقادی بیشتر از مسائل و مطالب دیگر که مربوط به الهیات بالمعنی **الاعم** است بحث نموده‌اند، به خاطر اینکه **لُبُّ لُبَابِ حِكْمَتِ الْهَيْئِ** شناختن مبدأ

و معاد است، شاید همه مطالب ما و مسائل دیگر در علم کلام در حکم مقدمه این دو مطلب و یا در حاشیه این دو مطلب است به قول حاجی سبزواری در منظومه:

یا واهب العقل لک المـحامدُ
إلی جنابک إنتهی المقاصدُ
ای بخشنده خرد، تمام سپاسها ویژه توست

همه مقصدها و هدفها به سوی بارگاه تو منتهی می شود بنابراین اگر در موضوع گفته شده اندیشه‌های کلامی و قید اخص آورده نشده به خاطر ذهنیتی بوده که هرگاه لفظ کلام برده می شود در ذهن موضوعات اعتقادی خطور می کند.

ثانیاً، اگر می خواستیم به همه اندیشه‌های کلامی طبرسی در مجمع پردازیم حجم عظیمی دربر می گرفت. البته خوب بود که این کار صورت می گرفت، اما از آنجایی که این کار زمان زیادی می برد و وقت هم در این زمینه ضیق بود و نیز امکانات بیشتری می خواست به این کار مبادرت نورزیدیم.

ثالثاً، با توجه به مذاکراتی که با استاد مشاور جناب آقای عابدی شد و ارشاداتی که ایشان فرمودند بنا گردید که موضوع بحث در همین موارد اعتقادی که در پایان نامه آمده است باشد.

در پایان از تمام کسانی که در این پایان نامه بنده را یاری نمودند، بالاخص از سروران و بزرگان، اساتید محترم، استاد زهنما جناب آقای حاج آقا محامد و آقای عابدی استاد مشاور کمال سپاسگزاری و تشکر می نمایم.
آن شاء الله که خداوند همه را اجر خیر عنایت فرماید.

هدف از انتخاب موضوع

در هر دینی و علمی، افرادی وجود دارند که به عنوان اساطین و تئوریسین‌ها و مفسران آن دین و مبدعان آن علم به‌شمار می‌آیند. احیای آثار و تفکر آنها در هر دوره و ازمنه‌ای لازم و ضروری است، چرا که احیای آثار آنها احیای دین و علم خواهد بود.

در میان ادیان الهی، دین اسلام، دینی است که در میان خود دانشوران و اندیشمندان بزرگی را پرورانده است که هر کدام در جای خود به عنوان مفسران و نظریه پردازان این دین به حساب می‌آیند. یکی از این کسان، ابومنصور احمد بن علی طبرسی (= تفرشی) می‌باشد که از مفسران و محدثان معروف شیعه است که مهمترین کتاب او تفسیر عظیم و گرانسنگ «مجمع البیان» است که یکی از تفاسیر بزرگ شیعه بشمار می‌رود.

تفسیر مجمع البیان، از جهات و ابعاد مختلف قابل بررسی است. زیرا تفسیری است حاوی مطالب گوناگون و بالاخص در آن نکات ادبی و کلامی فراوانی بکار رفته است.

در میان شیعه دانشمندانی پیدا شدند که مطالب کلامی را در جامه احتجاج و مناظره یاد کردند، یعنی اثر آنان دارای نظام خاص کتب کلامی بصورت مدون نیست، ولی مسائل مختلف کلامی را بصورت احتجاج و جدل و مناظره بیان نمودند. از میان این دانشمندان «طبرسی» را می‌توان یاد کرد.

«طبرسی» را مانند شیخ مفید، سید مرتضی، خواجه نصیرالدین طوسی در ردیف علمای علم کلام و متکلمین بزرگ محسوب نکرده‌اند؛ ولیکن او را جزء مفسران بزرگ شیعه دانسته‌اند. اما از آنجایی که هر مفسر بزرگی باید به علوم متعددی آگاهی داشته باشد، اعم از علوم ادبی، چون صرف و نحو، معانی و بیان، شعر و غیره و علوم شرعی چون کلام، فقه، تفسیر و حدیث، طبرسی را می‌توان یکی از علمای علم کلام دانست.

قرآن متضمن اصول معتقدات و قوانین اساسی اسلام است و مشتمل بر مبانی حکمت نظری و عملی انسانی است، چگونه ممکن است یک مفسر و کسی که کاشف حجاب از وجه اسرار چنین کتابی است خصوصاً مفسری چون صاحب مجمع البیان و جوامع الجامع به علوم شرعی اصلی و فرعی و قنوف کامل نداشته باشد. اگر مفسر به اینگونه علوم تسلط کامل نداشته باشد در تفسیر آیات راه خطا می‌پیماید و یا لااقل تفسیر آیه را مهمل می‌گذارد.

با مطالعه کتاب «مجمع البیان» برمی‌آید که مؤلف، بر همه این علوم تبخّر کامل داشته و کثرت اطلاع او را در بیشتر این علوم بیان می‌کنند.

تفسیر مجمع البیان، تفسیری است که خوشبختانه در طی اعصار و قرون مورد توجه عالمان و محققان بوده است و گروهی از صاحبان ذوق نیز تحقیق در آن باب را وجهه همت خویش قرار داده و از این راه مؤلفاتی را فراهم آورده‌اند.

از آنجایی که احیای اندیشه‌های اندیشوران لازم است و طبرسی نیز به عنوان یکی از عالمان بزرگ و مفسر بزرگ قرآن محسوب می‌شود، بر آن شدیم که به یاری خداوند متعال و با عنایت و توفیقات الهی، اندیشه‌های کلامی این مفسر بزرگ را از مجمع البیان تا آنجایی که مقدور است، بیان نماییم.

قبل از پرداختن به اندیشه‌های کلامی طبرسی، مقداری در باب علم کلام سخن خواهیم گفت و بعداً شمه‌ای از زندگی وی را ارائه می‌دهیم.

فصل اوّل

تعريف علم كلام

برای علم کلام تاکنون تعریف‌های متنوعی پیشنهاد شده است. چه دانشمندان قدیم و جدید برای آن تعریف‌های گوناگون کرده‌اند که منا در اینجا به بعضی از این تعریف‌ها می‌پردازیم و نهایتاً می‌توان چه تعریفی از آن به دست داد.
قاضی عضدالدین ایجی در کتاب مواقف آورده است:

«و الکلام علم یقتدر معه علی اثبات العقائد الدینیة بأیراد الحجج و رفع الشبه»^۱
در تعریف ایجی متکلم به دو کار می‌پردازد، یکی عقائد دینی را با ادله عقلی به اثبات می‌رساند، دیگر اینکه به رفع شبهات که بر دین وارد می‌شود، می‌پردازد. پس از دیدگاه او وظیفه متکلم، یکی اثبات ادله برای عقاید، دیگر رفع شبهات است.
محقق لاهیجی در شوارق الالهام می‌گوید:

«صناعة نظریه یقتدر بها علی اثبات العقاید الدینیة»^۲

از نظر محقق وظیفه متکلم اثبات عقاید دینی است. او دیگر قید رفع شبهه را در تعریف خود برعکس ایجی نیاورده است.

ابونصر فارابی در تعریف علم کلام می‌گوید: «علم کلام، علمی است که آدمی را توانا می‌گرداند که آراء و افعال معینی را که واضع شریعت بدانها تصریح کرده است یاری کند و آنچه که با آنها مخالفت دارد، رد نماید»^۳

۱. المواقف فی علم الکلام، ص ۷.

۲. محقق لاهیجی، شوارق الالهام.

۳. ابونصر فارابی، احصاء العلوم، ص ۱۰۷.

میر سید شریف جرجانی می گوید:

«کلام علمی است که بحث می شود در آن از ذات و صفات خداوند و احوال ممکنات از مبدأ و معاد بر طبق قانون اسلام و قید اخیر برای آن است که علم الهی فلسفه را از تعریف خارج کند.»^۱

ابن خلدون می گوید:

«علم کلام، علمی است که دربر دارد احتجاج بر عقاید ایمانی را با ادله عقلی و رد بدعت اورانی که در اعتقادات خود از مذهب گذشتگان و اهل سنت منحرف گشته اند.»^۲
مرحوم شهید مطهری در تعریف علم کلام می گوید:

«در تعریف علم کلام اسلامی کافی است که بگوییم علمی است که درباره اصول دین اسلام بحث می کند، به این نحو که چه چیز از اصول دین است و چگونه با چه دلیل اثبات می شود و جواب و مشکوک و شبهاتی که در مورد آن وارد می شود، چیست؟»^۳
از مجموع تعریف هایی که برای علم کلام آورده شد، نتیجه گرفته می شود که متکلمان یعنی آنان که علم کلام را می دانند، باید آنچه را واضح شریعت یعنی پیغمبر آورده با دلیل های عقلی اثبات کنند و نیز آنچه را که گذشتگان و اهل سنت در تفسیر و توجیه امور دینی گفته اند تأیید نمایند. گذشته از این آمادگی داشته باشند که اگر مخالفان دین و نوآوران خواسته باشند شبهه ای در دین ایجاد کنند و یا تغییری در آن بدهند، آن را رد نمایند.

نامهای علم کلام

علم کلام به نامهای مختلف خوانده شده است. از جمله ابوحنیفه نعمان بن ثابت پیشوای مذهب حنفیان متوفی ۱۵۰ آن را بنام «الفقه الاکبر» خواند و کتابی نیز بهمین عنوان در علم کلام نوشته است.^۴ تعبیر فقه الاکبر در برابر فقه اصغر است که آن علم

۱. میر سید شریف جرجانی، التعریفات، ص ۱۶۲، نقل از اندیشه های کلامی شیخ مفید.

۲. ابن خلدون، مقدمه، ص ۳۴۸، ترجمه محمد پروین گنابادی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

۳. شهید مطهری، علم کلام، ص ۱۷، مجموعه آشنایی با علوم اسلامی، انتشارات صدرا.

۴. سہم ایرانیان در تحول کلام اسلامی، مهدی محقق، انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی.